

بازداشت نتانياهو و رهبران حماس با خواست دادستان لاهه و تاکيد بر کارت سوخته تشکيل دو دولت!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

در این مطلب، چند موضوع مطرح در رابطه با جنگ خونین اسرائیل در نوار غزه را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم از جمله قطع‌نامه تصویبی سازمان ملل در رابطه با عضویت قطعی فلسطین در سازمان ملل؛ خواست دادستان ارشد دادگاه کیفری لاهه که خواستار بازداشت نتان‌ياهو، نخست وزیر اسرائیل و یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل و هم‌چنین سه رهبر سازمان اسلامی فلسطینی «حماس» (یحیی السنوار و محمد ضیف و اسماعیل هنیه)؛ چگونگی حمله غافل‌گیرانه حماس به درون مرزهای اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، این بار در کشمکش بین ارتش و نخست وزیر اسرائیل؛ جهنم غزه و نگاهی مختصر به تاریخچه جنگ ناتمام دولت اسرائیل علیه مردم بی‌دفاع فلسطین و طرح داستان قدیمی دو دولت!



فلسطینی‌ها منتظر عبور کامیون‌های حامل مواد غذایی هستند - مرکز غزه، یک‌شنبه ۱۹ مه ۲۰۲۴ - آسوشیتدپرس

امروز جمعه ۲۴ مه ۲۰۲۴-۴ خرداد ۱۴۰۳، هم‌چنین قضات دادگاه عالی سازمان ملل به دولت اسرائیل دستور دادند تا حمله نظامی خود به شهر رفح در جنوب غزه را متوقف کند.
این دادگاه، هم‌چنین به اسرائیل گفت که گذرگاه رفح را برای ورود کمک‌های بشردوستانه به نوار نوار بگشاید.
مردم رفح می‌گویند که هواپیماهای جنگی دقیقی پس از صدور رای دادگاه به جنوب شهر غزه حمله کردند.
یکی از فعالان محلی در مجاورت بیمارستان کویت به بی‌بی‌سی گفت که صداهای بمباران وحشتناک بود و ابری از دود سیاه ساختمان‌های اردوگاه شبوره را فرا گرفت. او گفت که به‌دلیل شدت حملات، تیم‌های امدادی بیمارستان نتوانستند به محل حملات بروند.
دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کرد که «متقاعد نشده است» تخلیه رفح و سایر اقدامات اسرائیل برای کاهش درد و رنج فلسطینیان کافی بوده باشد.
نواف سلام، که ریاست جلسه امروز را بر عهده داشت، گفت اقدامات موقتی‌ای که دادگاه در ماه مارس دستور داده بود در حال حاضر به‌طور کامل جواب‌گوی وضعیت غزه نیست و شرایط برای «یک وضعیت اضطراری جدید» فراهم شده است.
وی اضافه کرد: «اسرائیل باید فوراً حمله نظامی خود را در رفح متوقف کند.»
هفته پیش آفریقای جنوبی در پرونده متهم کردن اسرائیل به «نسل‌کشی» از دیوان بین‌المللی دادگستری خواسته بود مانع از حمله نظامی اسرائیل به رفح شود.
پس از صدور حکم دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه هلند مبنی بر لزوم توقف عملیات نظامی اسرائیل در رفح بنی گانتس، وزیر کابینه جنگ اسرائیل اعلام کرد که این کشور به جنگ «عادلانه و ضروری» خود علیه حماس تا بازگرداندن گروگان‌ها و تضمین امنیت ادامه خواهد داد.
بتسالی اسموتریچ، وزیر دارایی اسرائیل، گفت که این کشور حکم دادگاه بین‌المللی دادگستری مبنی بر توقف عملیات نظامی خود در شهر رفح در جنوب غزه را نخواهد پذیرفت.

وی که رهبر یکی از احزاب مذهبی ملی‌گرا در دولت ائتلافی نخست وزیر بنیامین نتانیاهو است، ادعا کرد: «درخواست از اسرائیل برای توقف جنگ علیه جنبش اسلام‌گرای حماس به معنای درخواست از اسرائیل برای توقف وجود است و «اسرائیل با آن موافقت نخواهد کرد.»

هم‌زمان جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، نیز گفت که اتحادیه اروپا باید بین حمایت از نهادهای بین‌المللی و حمایت از اسرائیل یکی را انتخاب کند.

او پیش از این گفته بود برخی از کشورهای اروپایی در تلاشند قضات دادگاه کیفری بین‌المللی را «مرعوب» کنند.

تصمیم دادگاه بین‌المللی دادگستری در پاسخ به درخواست آفریقای جنوبی صادر شده است.

اسرائیل حمله خود به رفح را در این ماه آغاز کرد و صدها هزار فلسطینی را مجبور به فرار از جنوبی‌ترین شهر غزه کرد. این شهر به پناهگاهی برای حدود نیمی از ۲/۳ میلیون نفر جمعیت غزه تبدیل شده بود.

رفح هم‌چنین راه اصلی ورود کمک‌ها به غزه بوده و سازمان‌های بین‌المللی می‌گویند عملیات اسرائیل، باعث قطع این کمک‌ها شده و خطر قحطی را افزایش داده است.

وکلا آفریقای جنوبی هفته گذشته از دادگاه بین‌المللی دادگستری خواستند اقدامات اضطراری را اعمال کند تا حملات اسرائیل به رفح متوقف و بقای مردم فلسطین تضمین شود.

این دادگاه بالاترین نهاد سازمان ملل برای رسیدگی به اختلافات بین کشورهاست. احکام آن نهایی و الزام‌آور است، اما در گذشته نادیده گرفته شده‌اند. دادگاه قدرت اجرایی ندارد.



دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳، دادستان دادگاه لاهه با اشاره به بررسی مدارک و شواهد جنگ علیه غزه، تاکید کرد: مقامات اسرائیلی به‌طور سازمان‌یافته فلسطینیان را از زندگی اولیه محروم کرده‌اند.

امروز درخواست‌هایی در زمینه صدور حکم بازداشت برای نتانیاهو و گالانت به دادگاه لاهه خواهد رسید و ما در این زمینه اقدامات لازم را انجام خواهیم داد.

دولت آفریقای جنوبی از تصمیم «کریم خان» دادستان دیوان کیفری بین‌المللی برای تلاش جهت صدور حکم بازداشت رهبران دولت اسرائیل استقبال کرد. وزارت خارجه فرانسه نیز روز سه‌شنبه اعلام کرد که پاریس از دادگاه کیفری بین‌المللی، استقلال آن و مبارزه با معافیت از مجازات در هر شرایطی حمایت می‌کند.

در بیانیه دادستان کریم خان در مورد اقدامات اسرائیل آمده است: «تأثیرات استفاده از گرسنگی به عنوان یک روش جنگی، همراه با سایر حملات و مجازات‌های دسته‌جمعی علیه مردم غیرنظامی غزه، به طور حاد، قابل مشاهده و به‌طور گسترده شناخته شده است.»

بر اساس بیانیه مذکور، این موارد شامل «سوءتغذیه، تحمیل تشنگی، رنج عمیق و شمار فزاینده مرگ و میر در میان جمعیت فلسطینی، از جمله نوزادان، کودکان و زنان» بوده است.

دادستان ارشد دادگاه بین‌المللی، رهبران حماس را از جمله به «نابودی» و نیز «قتل، گروگان‌گیری، تجاوز جنسی و شکنجه» به‌عنوان جنایت علیه بشریت متهم می‌کند.

دادستان ارشد می‌گوید، در پی حمله تروریستی حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر سال گذشته که جرقه جنگ را برانگیخت، او با چشمان خود «صحنه‌های دهشتناک آن حملات و تأثیرات عمیق جنایات بیرحمانه‌ای که در درخواست‌های امروز ذکر شده‌اند» را مشاهده کرده است.

کریم خان، دادستان ارشد می گوید که او در گفت‌وگو با بازماندگان دریافته است که «چگونه عشق درون یک خانواده، عمیق‌ترین پیوندهای میان والدین و فرزندان، مخدوش شده و با یک بی‌رحمی حساب شده و سنگ‌دلی شدید، رنجی غیرقابل تصور ایجاد کرده است. برای ارتکاب این اعمال باید حساب پس داده شود.»

اکنون قضات دیوان بین‌المللی کیفری باید در مورد درخواست صدور حکم بازداشت تصمیم بگیرند. دادستان ارشد باید برای صدور احکام بازداشت به کمیسیون تحقیقات مقدماتی متشکل از سه قاضی مراجعه کند و این کمیسیون برای بررسی مدارک و شواهد به‌طور متوسط به دو ماه زمان نیاز دارد تا تصمیم بگیرد که دادرسی ادامه یابد یا خیر. از سوی دیگر، دادگاه امکان و ابزار اجرای حکم بازداشت را ندارد. اما در صورت تصویب این حکم، آزادی تردد افراد تحت پیگرد به‌شدت محدود خواهد شد.

یکی از پیامدهای حکم بازداشت این خواهد بود که همه کشورهای عضو پیمان دادگاه موظف به بازداشت افراد تحت پیگرد و تحویل آن‌ها به دادگاه به محض حضور در کشور خود خواهند بود. اعلامیه خان هم‌چنین انزوای بین‌المللی اسرائیل را تشدید خواهد کرد. اسرائیل عضو پیمان دیوان بین‌المللی کیفری مستقر در لاهه نیست. احتمال داده می‌شود که یحیی سینوار و محمد الضیف هر دو در حالی که تحت تعقیب اسرائیل هستند، در نوار غزه پنهان شده باشند. اسماعیل هنیه، رهبر عالی شاخه سیاسی گروه اسلام‌گرای حماس در قطر به سر می‌برد و به‌طور مرتب در منطقه تردد دارد.

درخواست صدور حکم بازداشت علیه نتانیاها و گالانت، انتقاد شدید رئیس‌جمهور اسرائیل، اسحاق هرتسوک را به دنبال داشت و آن را «با میزان بالایی از ناخشنودی» رد کرد. او گفت: «هرگونه تلاش برای ایجاد تشابه میان تروریست‌های حماس و دولت منتخب دموکراتیک اسرائیل، قابل قبول نیست.» هرتسوک گفت: «ما فراموش نخواهیم کرد که چه کسی این جنگ را آغاز کرد و چه کسی به شهروندان و خانواده‌های بی‌گناه تجاوز کرد، سلاخی کرد، سوزاند، آزار داد و آن‌ها را ربود. ما از همه رهبران جهان آزاد انتظار داریم که این اقدام را محکوم و قاطعانه رد کنند.»

بنی گانتس، سیاست‌مدار اپوزیسیون که به‌همراه نتانیاها و گالانت، از اعضای کابینه جنگ اسرائیل است، به‌شدت از اعلامیه خان انتقاد کرد و گفت اسرائیل یکی از سخت‌گیرانه‌ترین قوانین اخلاقی را دارد. اسرائیل هم‌چنین به گفته او قوه قضاییه‌ای قوی دارد که می‌تواند علیه خود نیز دست به تحقیق بزند.

از نظر گانتس، پس از کشتار حماس، این کشور وارد «یکی از عادلانه‌ترین جنگ‌های تاریخ مدرن» شده است. گانتس گفت: «موضع دادستان در صدور حکم بازداشت، خود جنایتی با ابعاد تاریخی است که نسل‌های آینده نیز آن را به یاد خواهند داشت.»

یائیر لاپید، از رهبران اپوزیسیون اسرائیل نیز با عصبانیت واکنش نشان داد و گفت: «ما نمی‌توانیم مقایسه ظالمانه میان نتانیاها و سینوار، میان رهبران اسرائیل و رهبران حماس را بپذیریم.»

حماس نیز از درخواست دادستان ارشد دادگاه لاهه برای صدور حکم بازداشت علیه رهبران خود انتقاد کرد. شبکه تلویزیونی الاقصی وابسته به حماس در بیانیه‌ای اعلام کرد: «او (دادستان ارشد) در تصمیم خود قربانی را با یک جلاد مقایسه کرده و اشغال‌گری (اسرائیل) را برای ادامه جنگ نسل‌کشانه تشویق کرده است.» بر اساس بیانیه این گروه شبه‌نظامی، این سازمان حق مقاومت در برابر اشغال‌گری اسرائیل را برای خود محفوظ می‌داند و این شامل مقاومت مسلحانه نیز می‌شود.

سخن‌گوی ریشی سوناک، نخست‌وزیر بریتانیا روز دوشنبه ۲۰ مه (۳۱ اردیبهشت) گفت که تصمیم دادستان دیوان بین‌المللی کیفری مبنی بر درخواست صدور حکم بازداشت برای بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل مفید نیست. سخن‌گوی دولت بریتانیا با اشاره به تصمیم دادستان دیوان بین‌المللی گفت: «این اقدام در رابطه با توقف درگیری، خروج گروگان‌ها یا ورود کمک‌های بشردوستانه به نوار غزه مفید نیست.»

از سوی دیگر، مجمع عمومی سازمان ملل در اقدامی تاریخی، از تقاضای فلسطین برای عضویت کامل در این نهاد حمایت کرد و از شورای امنیت خواست «این موضوع را با نظر مساعد بررسی کند.»

در رای‌گیری روز جمعه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۳، از مجموع ۱۹۳ کشور حاضر در مجمع عمومی سازمان ملل، حدود ۱۴۰ کشور به این درخواست رای مثبت داده، ۹ کشور از جمله آمریکا و اسرائیل به آن رای مخالف و ۲۵ کشور نیز رای ممتنع دادند.

این رای قاطع در بحبوحه جنگ غزه نشان می‌دهد که موافقان، عملاً یک کشور مستقل فلسطینی را به رسمیت می‌شناسند؛ موضوعی که همواره مورد مخالفت شدید اسرائیل قرار داشته است.

به گزارش شبکه خبری الجزیره، تعداد آرا مثبت به پیش‌نویس قطع‌نامه عضویت فلسطین به‌عنوان یک کشور مستقل در سازمان ملل متحد ۱۴۳ رای بوده است.

هر چند حمایت از این تقاضا به معنای عضویت کامل فلسطین به‌عنوان یکی از اعضای سازمان ملل نیست، ولی به‌عنوان سنجشی از نظر کشورهای عضو تلقی می‌شود و می‌تواند راه را برای پذیرش فلسطین به‌عنوان یک کشور عضو با تمامی حقوق هموار کند.

با تصویب این قطع‌نامه فلسطین به‌عنوان کشوری واجد شرایط برای عضویت کامل به رسمیت شناخته شد. در قطع‌نامه مصوب مجمع عمومی سازمان ملل قید شده که «کشور فلسطین باید به عضویت سازمان ملل درآمد و شورای امنیت باید با نظر مساعد این درخواست را بررسی کند.»

با تصویب این قطع‌نامه که از سپتامبر امسال به اجرا درمی‌آید از این پس نماینده فلسطین می‌تواند هم‌چون سایر اعضای سازمان ملل در جلسات مجمع عمومی شرکت کند ولی هنوز دارای حق رای در این نهاد نیست.



پرچم فلسطین مقابل سازمان ملل متحد

تصمیم‌گیری نهایی در مورد پذیرفتن اعضای جدید در سازمان ملل برعهده شورای امنیت این نهاد است. ریاض منصور، سفیر فلسطین در سازمان ملل، پیش از رای‌گیری در مجمع گفت: «ما صلح می‌خواهیم، ما آزادی می‌خواهیم. رای بله، رای به موجودیت فلسطین است، مخالف هیچ کشوری نیست. ... سرمایه‌گذاری در صلح است.» گزارش‌ها حاکی است که بیسرائل کاتس، وزیر خارجه اسرائیل، در واکنش، اقدام مجمع عمومی را «تئاتری سیاسی» خواند که به گفته او «پاداشی برای تروریست‌های حماس» است.

او مدعی شد که فلسطینی‌ها «اصلاً استانداردهای یک کشور را ندارند.»

دولت آمریکا در آخرین جلسه شورای امنیت برای بررسی عضویت فلسطین این درخواست را وتو کرد، ولی رای مثبت ۱۴۳ کشور به این طرح نشانه‌ای از حمایت گسترده بین‌المللی برای پذیرش عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل تلقی می‌شود.

از سوی دیگر، تعدادی از کشورهای اروپایی، از جمله اسپانیا، جمهوری ایرلند و اسلوانی در ماه‌های اخیر اعلام کرده‌اند که خواهان به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطینی هستند.

جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، نیز در مصاحبه با رادیوی اسپانیا گفت: «اسپانیا، جمهوری ایرلند، اسلوانی و احتمالاً شمار دیگری از کشورهای اروپایی روز ۲۱ مه کشور مستقل فلسطین را به رسمیت خواهند شناخت.» بورل افزود هرچند که چنین تصمیمی در عمل و به‌خصوص در صحنه بحران فعلی در غزه تغییری ایجاد نخواهد کرد، ولی به‌عنوان یک اقدام نمادین سیاسی و دیپلماتیک اهمیت دارد.

دولت اسرائیل با هرگونه اقدامی در راستای به رسمیت شناختن کشور مستقلی به‌نام فلسطین و عضویت کامل آن در سازمان ملل مخالف است.

از سال ۱۹۸۸ تاکنون ۱۳۹ کشور از مجموع ۱۹۳ عضو سازمان ملل کشور مستقل فلسطین را به رسمیت شناخته‌اند. با این فشارهای بین‌المللی، فرماندهی ارتش اسرائیل اجرای مرحله «مهم» عملیات رفع را تصویب کرد.

امرای ارتش اسرائیل مجوز اجرای «مرحله بعدی و مهم» عملیات در شهر رفح را به صادر کردند. جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا در آن روز در اسرائیل به سر می‌برد. تاکنون ۸۰۰ هزار غیرنظامی شهر رفح را ترک کرده‌اند.

بر اساس یک گزارش رسانه‌ای، یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل و هرتزی هالوی، رئیس ستاد کل ارتش، مجوز گسترش قابل توجه عملیات نظامی در رفح را صادر کردند.

شبکه تلویزیونی کانال ۱۴ اسرائیل که به محافل دولتی نزدیک است، امروز یکشنبه ۱۹ مه-۳۰ اردیبهشت، گزارش داد که آن‌ها اجرای «مرحله بعدی و مهم» عملیات در این شهر در جنوب نوار غزه را تصویب کرده‌اند. سخن‌گوی ارتش اسرائیل گفت که آن‌ها در حال بررسی این گزارش هستند.

در این گزارش آمده است که قرار بوده مقامات ارشد نظامی اسرائیل جزئیات این طرح را به جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا ارائه دهند. سالیوان امروز یکشنبه در اسرائیل با بنیامین نتانیا‌هو نخست‌وزیر دیدار کرد. هم‌چنین گفت‌وگوهای میان نماینده ایالات متحده با یوآو گالانت، وزیر دفاع و اسحاق هرتسوغ، رئیس‌جمهور برنامه‌ریزی شده بود.

رهبری اسرائیل می‌گوید که می‌خواهد در رفح، آخرین گردان‌های اسلام‌گرایان حماس را که گمان می‌رود در آنجا حضور دارند، نابود کند. متحدان اسرائیل مانند آمریکا، بارها به این کشور نسبت به حمله گسترده به شهر رفح در مرز با مصر به دلیل شمار بالای آوارگان داخلی هشدار داده‌اند.

با این حال، رهبری اسرائیل اعلام کرده است که به برنامه‌های نظامی خود برای حمله به رفح پایبند است. بر اساس برآوردهای سازمان ملل، حدود ۸۰۰ هزار آواره و بی‌خانمان از زمان آغاز عملیات نظامی حدود دو هفته پیش تاکنون شهر را ترک کرده‌اند.

اکنون سه کشور اروپایی، اعلام کرده‌اند که کشور فلسطین را به رسمیت می‌شناسند. یوناس گار استوره، نخست‌وزیر نروژ روز چهارشنبه ۲۲ مه دوم خرداد، از تصمیم دولتش برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین خبر داد.

علاوه بر نروژ، دو کشور ایرلند و اسپانیا نیز به این اقدام تاریخی پیوستند و کشور فلسطین را به رسمیت شناختند. اعلام به رسمیت شناختن کشور فلسطین از سوی سه کشور اروپایی خشم مقامات اسرائیلی را برانگیخت به نحوی که تل‌آویو بلافاصله از فراخواندن سفیران اسرائیل در نروژ و ایرلند خبر داد.

دو کشور دیگر عضو اتحادیه اروپا، یعنی اسلوونی و مالت نیز در هفته‌های اخیر اعلام کرده‌اند که ممکن است کشور فلسطین را به رسمیت بشناسند و ادعا کرده‌اند که برقراری صلح در منطقه حیاتی است.

نخست‌وزیر نروژ گفت: «در میان یک جنگ با ده‌ها هزار کشته و زخمی، ما باید تنها جایگزینی که راه حلی سیاسی برای اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها ارائه می‌دهد را زنده نگه داریم و آن، راه‌حل دو کشوری است تا آن‌ها در کنار هم در صلح و امنیت زندگی کنند.»

به رسمیت شناختن کشور فلسطین توسط نروژ از تاریخ ۲۸ مه اجرایی خواهد شد. استوره گفت که شماری دیگر از کشورهای اروپایی نیز در همان تاریخ، کشور فلسطین را به رسمیت خواهند شناخت.

او هم‌چنین گفت که به رسمیت شناختن کشور فلسطین به معنای «حمایت از نیروهای میانه‌رو» است که در این درگیری‌ها جایگاه خود را از دست داده‌اند.

او هم‌چنین یادآور شد که اقدام کشورش در به رسمیت شناختن کشور فلسطین حمایت آشکار از طرح صلح عربی برای حل بحران خاورمیانه است.

نخست‌وزیر نروژ گفت که کشورش با این اقدام، پیامی «قوی» به دیگر کشورها ارسال می‌کند تا از نروژ و تعدادی دیگر از کشورهای اروپایی پیروی کنند و کشور فلسطین را به رسمیت بشناسند.

به گزارش آسوشیتدپرس، چندین کشور عضو اتحادیه اروپا طی هفته‌های گذشته با طرح این استدلال که راه حل دو کشوری برای صلح پایدار در منطقه ضروری است، از تمایل برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین خبر داده‌اند.

نروژ که عضو اتحادیه اروپا نیست اما در بسیاری از سیاست‌گذاری‌ها با این نهاد اروپایی همسو است، از دیرباز حامی سرسخت راه‌حل تشکیل دو کشور بین اسرائیل و فلسطین بوده است.

اعلام این تصمیم با واکنش‌هایی از سوی اسرائیل همراه بود؛ با این حال، نخست‌وزیر نروژ هم‌چنان بر موضع کشورش تأکید کرد و گفت که اسلو هم‌چنان به راه حل دو دولتی برای دست‌یابی به صلح پایدار در منطقه متعهد است.

این تحول بیش از ۳۰ سال پس از امضای اولین توافق اسلو در سال ۱۹۹۳ رخ می‌دهد؛ امری که بر طولانی بودن روند تلاش‌ها برای دست‌یابی به صلح در بحران خاورمیانه حکایت دارد.

توافق اسلو با شعار «صلح در برابر زمین» بر ضرورت مذاکره و گفتگو بر سر راه حل نهایی این بحران میان اسرائیل و فلسطینی‌ها تأکید داشت.

دولت نروژ با اشاره تلاش‌های صورت گرفته در چارچوب پیمان اسلو می‌گوید: «از آن زمان تاکنون، فلسطینی‌ها گام‌های مهمی در جهت راه‌حل دو دولتی برداشته‌اند.»

اسلو مشخص نمی‌کند که این «گام‌های مهم» چه هستند اما نشان می‌دهد که نروژ معتقد است فلسطینی‌ها برخی از شرایط لازم برای تشکیل دولت در چارچوب راه‌حل دو دولتی را برآورده کرده‌اند.

واکنش هیستریک اسرائیل:

اسرائیل قبلا سفرای خود را از ایرلند، اسپانیا و نروژ فراخوانده است. وزیر امور خارجه اسرائیل گفت که دولت یهود «در برابر کسانی که حاکمیت آن را تضعیف می‌کنند و امنیت آن را تهدید می‌کنند، عقب‌نشینی نخواهد کرد.»

وزیر خارجه، هم‌چنین این تصمیم اروپا را به دلیل «بی‌عدالتی به یاد قربانیان حمله حماس به اسرائیل در اکتبر» مورد انتقاد قرار داد.

کاتز گفت: «این پیامی را به فلسطینی‌ها و جهان می‌فرستد - تروریسم نتیجه می‌دهد.» به علاوه بر این، سفرای سه کشور اروپایی به وزارت امور خارجه اسرائیل احضار شده‌اند.

طبق گزارش Ynet، به آن‌ها اعتراض خواهد شد و هم‌چنین ویدئویی به آن‌ها نشان داده می‌شود که شبه‌نظامیان حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ سربازان زن اسرائیلی را ربودند.

واکنش جهانی:

رهبران فلسطین از ایرلند، اسپانیا و نروژ به خاطر «حمایت از حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین در سرزمین خود» تشکر کردند و از سایر کشورها خواستند از این اقدام پیروی کنند.

حماس نیز از تصمیم سه کشور اروپایی استقبال کرد و آن را «گامی مهم در جهت تقویت حق مردم فلسطین برای تشکیل دولت مستقل خود» خواند.

وزارت امور خارجه ترکیه از به رسمیت شناختن فلسطین توسط سه کشور دیگر استقبال کرد، در حالی که وزارت امور خارجه چین گفت که باید به «سیاست مبتنی بر راه حل دو دولتی» بازگردد و افزود:

زمینه تصمیم:

حمله حماس و تشدید درگیری: ایرلند، اسپانیا و نروژ در بحبوحه تشدید درگیری‌های مسلحانه پس از حمله حماس در غزه در اکتبر، تصمیم به رسمیت شناختن استقلال فلسطین گرفتند.

تاریخچه فلسطین:

قطع‌نامه تقسیم: در سال ۱۹۴۷، مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطع‌نامه‌ای را برای تشکیل دو کشور - یهودی و عرب- در فلسطین به تصویب رساند.

به این منطقه حمله کردند، اما شکست خوردند و اسرائیلی‌ها سرزمین‌هایی را که قرار بود برای تشکیل یک کشور عربی باشد، اشغال کردند.

اعلام تاسیس دولت: در سال، در نشست شورای ملی فلسطین در الجزایر، تاسیس دولت فلسطین با پایتختی بیت‌المقدس شرقی اعلام شد، اما این دولت هنوز عملاً حاکمیت کامل ندارد.

محدودیت‌های حاکمیت: فلسطین ارتش و واحد پول خود را ندارد و اسرائیل کنترل اکثر مرزها و بیت‌المقدس شرقی را در دست دارد. علاوه بر این، فلسطین از سال ۲۰۰۷ از نظر سیاسی به دو بخش تقسیم شده است: کرانه غربی تحت کنترل فتح و نوار غزه تا زمان عملیات اسرائیل تحت کنترل حماس بود.

توجه بین‌المللی: حدود سه چهارم از کشورهای عضو سازمان ملل متحد استقلال فلسطین را به رسمیت می‌شناسند، اما اکثر کشورهای غربی آن را به رسمیت نمی‌شناسند. فلسطین عضو اتحادیه عرب است، اما عضو کامل سازمان ملل متحد نیست.

با این حال در بیانیه دولت نروژ آمده است: بانک جهانی در سال ۲۰۱۱ تشخیص داد که فلسطین معیارهای کلیدی برای عملکرد به‌عنوان یک کشور را برآورده کرده است، به این معنی که نهادهای ملی برای ارائه خدمات مهم به مردم ایجاد شده‌اند.

به رسمیت شناختن کشور فلسطین توسط تعدادی از کشورهای غربی، ۸ ماه پس از آغاز عملیات نظامی اسرائیل در غزه انجام می‌شود.

با این اوصاف، هنوز روشن نیست که دولت مستقل فلسطین در کجا و در چه شرایطی و با کدام اختیارات و امکانات شکل خود دهد شد؟!

آن‌هم در شرایطی که بانک جهانی به تازه‌گی هشدار داده است وضعیت مالی تشکیلات خودگردان فلسطینی در سه ماه گذشته «به طرز چشم‌گیری بدتر شده» و کسری بودجه این تشکیلات تا ماه‌های آینده به ۱/۲ میلیارد دلار خواهد رسید. بانک جهانی روز پنجشنبه سوم خرداد در گزارشی «کاهش شدید» منابع درآمدی تشکیلات خودگردان را ناشی از محدود شدن فعالیت‌های اقتصادی در کرانه باختری به دنبال جنگ غزه دانست که از ۱۵ مهر پارسال در جریان است.

بانک جهانی می‌گوید: کسری بودجه تشکیلات خودگردان که در پایان سال میلادی گذشته ۶۸۲ میلیون دلار بود، تا ماه‌های آینده به ۱/۲ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت.

بر اساس پیش‌بینی این بانک، انتظار می‌رود که اقتصاد این مناطق بین ۶/۵ تا ۹/۶ درصد کوچک شود اما این چشم‌انداز نیز هنوز «به شدت نامطمئن است.»

به گفته بانک جهانی، از آغاز حمله گروه حماس به خاک اسرائیل و حمله اسرائیل به نوار غزه، حدود نیم میلیون شغل در سرزمین‌های فلسطینی از بین رفته که حدود ۱۵۰ هزار شغل آن در کرانه باختری بوده است. فعالیت اقتصادی در کرانه باختری که تشکیلات خودگردان فلسطینی هدایت آن را در دست دارد، به میزان زیادی به امور امنیتی اسرائیل گره خورده است.

ده‌ها هزار کارگر فلسطینی که تا پیش از آغاز اسرائیل در غزه، روزانه برای کار از نقاط مختلف کرانه باختری وارد این کشور می‌شدند، بعد از جنگ غزه کار خود را از دست داده‌اند.

به دستور وزارت دفاع اسرائیل، کارفرمایان اسرائیلی نمی‌توانند از کارگران فلسطینی ساکن کرانه باختری استفاده کنند. بسیاری از این کارگران در پروژه‌های ساختمانی اسرائیلی کار می‌کردند که هم اکنون ده‌ها هزار کارگر از کشورهای چین، هند یا اروپای شرقی جای آن‌ها را گرفته‌اند.

بانک جهانی می‌گوید با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی کرانه باختری، تنها گزینه تشکیلات خودگردان این است که پرداخت حقوق به کارمندان و ماموران خود را قطع کند.

بانک جهانی افزایش کمک‌های خارجی به تشکیلات خودگردان را راهکار دیگری برای جلوگیری از فروپاشی اقتصادی این نهاد اعلام کرده است.

وزیر دارایی اسرائیل هفته گذشته اعلام کرد به دلیل شکایاتی که تشکیلات خودگردان از ۹ سال پیش علیه اسرائیل به دیوان کیفری بین‌المللی لاهه ارائه کرده و احتمال صدور حکم جلب علیه نخست‌وزیر و وزیر دفاع از سوی این دیوان تقویت شده است، او قصد دارد که درآمدهای مالی منابع فلسطینی را دیگر در اختیار تشکیلات خودگردان قرار ندهد.

بتسال تل اسموتریچ، هم‌چنین به عدم تمدید معافیت همکاری بانک‌های اسرائیلی با بانک‌های فلسطینی از ماه آینده اشاره کرد.

جنت یلن، وزیر خزانه‌داری آمریکا، روز سوم خرداد در نشست وزیران دارایی و روسای بانک‌های مرکزی کشورهای عضو گروه هفت در ایتالیا گفت تهدید اسرائیل به قطع ارتباط با بانک‌های فلسطینی «نگران‌کننده» است زیرا کانی حیاتی را به روی اقتصاد فلسطینیان می‌بندد.

با این وجود، بحث این که هنگام حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس به اسرائیل، ارتش و نیروهای امنیتی کجا بودند؟ هم‌چنان ادامه دارد.

بنیامین نتانیاہو، نخست‌وزیر اسرائیل پس از انتشار اطلاعاتی مبنی بر دریافت هشدار از سوی نهادهای نظامی درباره قصد حماس برای حمله در ۷ اکتبر، این موضوع را به‌طور کامل تکذیب کرد.

نتانیاہو در بیانیه‌ای که پنج‌شنبه سوم خرداد ۱۴۰۳، از سوی دفترش منتشر شد، تاکید کرد در پیام‌هایی که از ارتش دریافت کرده به هیچ‌وجه به او درباره حمله قریب‌الوقوع حماس هشدار داده نشده است.

نخست‌وزیر اسرائیل، تصریح کرد که اسناد نظامی به او درباره قصد حماس برای حمله به اسرائیل هشدار نداده، بلکه کاملاً برعکس این موضوع بوده است.

او در ادامه، افزود: «چهار سندی که دریافت کرده است به صراحت نشان می‌دهد که این جنبش فلسطینی خواهان حمله به اسرائیل نیست، بلکه ترجیح می‌دهد به توافق برسد.»

نتانیاہو نیز گفت: «اولین سند یا نامه‌ای که در تاریخ ۱۹ مارس ۲۰۲۳ دریافت کردم، حاکی از آن بود که استراتژی حماس بر حفظ حاکمیت در غزه و مبارزه با اسرائیل در دیگر عرصه‌ها متمرکز است.»

عدم تمایل حماس به تشدید تنش افزون بر این، وی فاش کرد که سند دوم صادر شده در ۳۱ مه ۲۰۲۳ به تل‌آویو توصیه می‌کند برای دستیابی به توافق با حماس اقداماتی را انجام دهد و افزود: «این جنبش علاقه‌ای به تشدید تنش‌ها ندارد.»

نخست‌وزیر اسرائیل درباره نامه سوم که در مورد «تأثیر منفی عدم انسجام و تفرقه در اسرائیل» هشدار می‌داد، تاکید کرد که خود چندین بار در مورد این موضوع به ویژه در مورد مساله امتناع از خدمت وظیفه «حریدم»‌ها که از خدمت سربازی امتناع می‌کنند، هشدار داده است.

دفتر نتانیاہو، به بیانیه‌ای در ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۳ استناد کرد که در آن نخست‌وزیر اسرائیل گفته بود که درگیری‌های داخلی «بازارندگی در برابر دشمنان ما را از بین می‌برد و آن‌ها را وسوسه می‌کند تا اقدامات تهاجمی علیه کشور انجام دهند.»

این ادعاهای نتانیاہو پس از آن بیان شد که ارتش اسرائیل ساعات اولیه پنج‌شنبه گذشته، تایید کرد که نخست‌وزیر این کشور بین مارس تا ژوئیه ۲۰۲۳ چهار نامه اخطار از بخش اطلاعات در مورد این که «دشمنان» اسرائیل چگونه شکاف‌ها و چنددستگی‌های در حال وقوع در کشور و به‌خصوص تأثیر آن‌ها بر ارتش اسرائیل زیرنظر دارند، دریافت کرده است.

بنیامین نتانیاہو بر روی پلتفرم «ایکس»:

نتانياهو در ماه اول جنگ عليه غزه مدعی شد که قبل از حمله ۷ اکتبر هیچ هشداري در مورد تهديد احتمالی عليه امنیت کثورش دریافت نکرده است، وی تلاش کرد مسئولیت را متوجه فرماندهان ارتش کند، رویکردی که خشم فرماندهان ارتش را برانگیخت.

نخست وزیر اسرائیل در ۲۹ اکتبر ۲۰۲۳، یعنی ۲۲ روز پس از حمله غافلگیرانه حماس، بیانیه‌ای را در سکوی «ایکس» منتشر کرد و تمام ادعاهای منتشر شده قبلی مبنی بر هشدار به دولت در مورد حملات احتمالی را نادرست توصیف کرد. او هم‌چنین در آن زمان مدعی شد که همه مقامات امنیتی از جمله رئیس «شورای امنیت اسرائیل» و رئیس «شین بت» تایید کرده‌اند که «حماس از حمله به اسرائیل منصرف شده است».

این پست نتانياهو در پلتفرم «ایکس»، جنجال گسترده‌ای را در اسرائیل به پا کرده و خشم ارتش را برانگیخت طوری که باعث شد وی روز بعد آن را حذف کند.

در عین حال، اما نتانياهو مجدداً روز بعد تایید کرد که در واقع هیچ هشدار قبلی از سوی مقامات عالی رتبه امنیتی در مورد حملات احتمالی گروه‌های فلسطینی یا حماس به اسرائیل دریافت نکرده است.

شایان ذکر است که از زمان آغاز جنگ در ۷ اکتبر، بسیاری از تحلیل‌گران نظامی اسرائیل و ناظران دیگر از ناتوانی نیروهای اسرائیلی در دفع حمله و توقف فوری آن و تاخیر طولانی مدت ارتش قبل از حرکت انتقاد کرده‌اند که این مسئله باعث شد راهی برای اعضای حماس برای گروگان گرفتن صدها غیرنظامی و سریاز اسرائیلی پس از حمله به پایگاه‌های نظامی و شهرک‌های اطراف نوار غزه باز کند.



در هفته‌های اخیر، بحث‌های زیادی در مورد عملیات در رفح، شهری در مرز غزه و مصر، وجود داشته است. به گفته بنیامین نتانياهو، نخست وزیر اسرائیل، این عملیات برای «کسب پیروزی کامل بر حماس» ضروری است. سایر کشورها، از جمله ایالات متحده، از اسرائیل در مورد درگیری گسترده در شهری که ۱/۴ میلیون نفر در آن در محاصره و آواره شده‌اند، هشدار داده‌اند.

جنگ در شمال و جنوب غزه بحران انسانی را تشدید کرده و دستاوردهای اخیر سازمان‌های امدادی در جلوگیری از قحطی و بیماری را از بین برده است.

در اوایل ماه جاری، غذا به مناطق قحطی زده شمال غزه رسیده و قیمت‌ها در کمپ پناهندگان جبالییا کاهش یافته بود. پزشکانی مانند یحیی عابد تلاش می‌کردند تا بیمارانی را که دچار سوء تغذیه بودند، نجات دهند. اما سپس «حمله دیگری» از راه رسید.

واشنگتن پست در گزارشی از غزه نوشته است: عملیات نظامی اسرائیل در این ماه علیه حماس در غزه -از آخرین پناهگاه‌های فلسطینی‌ها در شهر جنوبی رفح تا کمپ‌های ویران شده پناهندگان در شمال- نزدیک به یک میلیون نفر را بی‌خانمان کرده است. سازمان ملل متحد می‌گوید این جنگ‌ها دسترسی غزه به کمک‌های خارجی را بیش‌تر مسدود کرده و بحران انسانی در منطقه را تشدید کرده و دستاوردهای اخیر در جلوگیری از قحطی و بیماری را از بین برده است.

یحیی عابد، پزشک فلسطینی در یک مصاحبه تلفنی گفت: «به جای مراقبت‌های پیش از زایمان برای خانم‌های باردار و درمان سوء تغذیه، اکنون باید جلوی خونریزی مجروحان را بگیریم... این وضعیت ادامه دارد، روز و شب.»

مصیبت‌های اخیر غزه در اوایل ماه می آغاز شد، زمانی که اسرائیل دستور تخلیه بخش‌هایی از رفح را صادر کرد که نشانه آغاز تهاجم طولانی مدتی بود. تهاجمی که ادعا می‌شد هدف آن نابودی باقی‌مانده‌های گردان‌های حماس است. سازمان‌های امدادی از ماه‌ها پیش هشدار داده بودند حمله به منطقه‌ای که بیش از یک میلیون نفر در آن پناه گرفته‌اند، فاجعه‌آمیز خواهد بود.

با تشدید جنگ در شرق رفح و بمباران و گلوله باران سراسر شهر توسط اسرائیل، بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها بسته شدند. انبارهای مواد غذایی که هزاران تن مواد غذایی را ذخیره کرده بودند، غیرقابل دسترسی شدند. گذرگاه‌های مرزی که شریان حیاتی جنوب غزه بودند، بسته یا با دشواری‌های سختی مواجه شدند، و همه این‌ها باعث شد که غذا، مکمل‌های تغذیه‌ای و داروها نتوانند وارد غزه شوند و هزاران بیمار به شدت مجروح در داخل غزه بدون امکانات درمانی باقی بمانند. مقامات امدادی با وحشت و ناباوری شاهد بودند نزدیک به نیمی از جمعیت غزه در عرض دو هفته مجبور به فرار شدند، خانواده‌های آواره تلاش می‌کنند تا تکه زمینی را برای سکونت پیدا کنند. گروه‌های بشردوستانه از چگونگی و مکان ارائه خدمات به گرسنگان، مجروحان و بیماران اطلاع چندانی ندارند.

ریکاردو پیرس، سخن‌گوی یونیسف، هفته گذشته گفت: «این شاید تاریک‌ترین فصل در این جنگ وحشتناک باشد که هفت ماه پیش آغاز شده است.»

بیش از ۸۰۰'۰۰۰ نفر از جنوب غزه فرار کرده‌اند و حداقل ۱۰۰'۰۰۰ نفر از بخش‌های شمالی آواره شده‌اند، جایی که اسرائیل حملات جدیدی علیه حماس انجام داده که در خلاء قدرت در حال قدرت‌گیری دوباره است.

خوش‌شانس‌ترین افراد در چادرهایی پناه گرفته‌اند که اکنون به قیمت صدها دلار فروخته می‌شوند. سایرین در ساختمان‌های متروکه مستقر شده‌اند. علاء حسن، ۳۱ ساله، با یک گاری از رفح فرار کرد زیرا توانایی پرداخت هزینه خودرو را نداشت. او با استفاده از پرده‌هایی از خانه متروکه‌اش جایی برای خود ساخته است، زیرا نمی‌توانسته هزینه چادر را بپردازد. او در مواسی، در ساحل، که اسرائیل آن را به‌عنوان «منطقه انسانی» معرفی کرده بود، مستقر شد.

سرهنگ دوم آویخای ادرعی، سخن‌گوی ارتش اسرائیل، روز چهارشنبه گذشته در یک پست در شبکه اجتماعی ایکس، اعلام کرد که منطقه امن گسترش یافته و خدمات انسانی لازم به افراد آواره ارائه خواهد شد. اما حسن می‌گوید: «در مواسی هیچ آب آشامیدنی، بهداشت و حتی سرویس بهداشتی وجود ندارد.»

دولت بایدن ماه‌ها پیش اعلام کرده بود اسرائیل را از انجام یک عملیات بزرگ در رفح منصرف می‌کند و خواستار یک برنامه معتبر برای تخلیه و حفاظت از غیرنظامیان شده بود. اوایل ماه مه، بایدن تهدید کرد در صورت ورود اسرائیل به مناطق مسکونی رفح، ارسال مهمات به اسرائیل را متوقف خواهد کرد. اما حمله اسرائیل این مناطق مسکونی را خالی ای جمعیت کرده است.

مشاور امنیت ملی آمریکا، جیک سالیوان، روز چهارشنبه گفت: «عملیات نظامی اسرائیل در آن منطقه هدفمند و محدود بوده است.»

ادم ووسورنو از آژانس بشردوستانه سازمان ملل، روز سه‌شنبه گفت: «ما در حال تمام کردن واژگان برای توصیف آنچه در غزه اتفاق می‌افتد، هستیم. ما آن را یک فاجعه، کابوس، جهنم روی زمین توصیف کرده‌ایم. غزه همه این‌ها و حتی بدتر از آن است.»

رفح -حیاتی‌ترین گذرگاه کمک‌ها در مرز با مصر- بسته شده است. هزاران کامیون بیکار مانده‌اند، برخی کالاهای فاسدشدنی در گرمای تابستان خراب می‌شوند. تنها دو گذرگاه به‌طور اسمی باز هستند اما به‌دلیل جنگ یا قرار داشتن در مناطقی که اسرائیل خواستار تخلیه آن‌ها شده است، برای سازمان‌های امدادی غیرقابل استفاده هستند.

در نزدیکی کرم شالوم، یک گذرگاه اسرائیلی در جنوب غزه، وضعیت ناپایداری وجود داشت. اولگا چرونکو، سخن‌گوی آژانس بشردوستانه سازمان ملل، گفت: «انفجارها و جنگ جریان دارد.» گذرگاه «برای ما به هیچ وجه قابل استفاده نیست.»

یک اسکله شناور ساخته شده توسط ارتش آمریکا در مرکز غزه هفته گذشته محموله‌هایی را دریافت کرد، اما بخش بزرگی از غذاهایی که از اسکله خارج شد، توسط مردم گرسنه و ناامید به یغما رفت. مقامات امدادی بارها تأکید کرده‌اند که این اسکله جایگزین گذرگاه‌های زمینی نیست.

سالیوان روز چهارشنبه گفت: «کمک‌ها در حال جریان هستند، اما نه به میزانی که ما راضی باشیم، زیرا همیشه خواستار مقدار بیش‌تری هستیم.»

توزیع بسته‌های غذایی در جنوب غزه متوقف شده زیرا سازمان‌های امدادی دیگر به منابع دسترسی ندارند. نانواپی‌ها - که قبل از حمله در حال بازگشایی بودند- بسته شده‌اند یا به زودی بسته خواهند شد.

برنامه جهانی غذا می‌گوید هم‌چنان به توزیع وعده‌های غذایی گرم در برخی نقاط غزه ادامه می‌دهد، اما سازمان ملل گفته است منابع سوخت در آشپزخانه‌های منطقه در حال اتمام هستند. مقامات امدادی گفتند برخی کالاها هنوز در بازارها موجود است، زیرا برخی محموله‌های تجاری هم‌چنان وارد می‌شوند اما کسی توانایی خرید آن‌ها را ندارد.

با توجه به کمبودها و محرومیت‌ها، بحران سوء تغذیه در غزه مطمئناً تشدید خواهد شد. در اوایل ماه می، مدیر برنامه جهانی غذا گفت شمال غزه در «قحطی کامل» قرار دارد. اکنون در جنوب نیز، فرض اینکه قحطی وجود دارد، بی‌اساس نیست.

پیرس، سخن‌گوی یونیسف، گفت: قبل از حمله به رفح «ما پیشرفت‌هایی در زمینه ورود کمک‌ها دیده بودیم.» اما سیستم طراحی شده برای جلوگیری از قحطی، از جمله نقاط خدماتی که به ارائه غربالگری و مکمل‌های تغذیه‌ای می‌پرداخت، اکنون «به‌طور کامل فروپاشیده» و حدود ۶۰۰۰ کودک در جنوب و مرکز غزه که تحت درمان قرار گرفتند، در معرض خطر هستند.

پیرس گفت: «وقتی کودکان دچار سوء‌تغذیه می‌شوند، تنها به کالری نیاز ندارند. آن‌ها به درمان نیاز دارند. بدون درمان، آن‌ها بهبود نخواهند یافت. آن‌ها بیمار خواهند شد و خواهند مرد.»

جان‌تی سوریتو، رئیس سازمان «نجات کودکان» گفت زمانی که کودکان دچار سوء تغذیه به کلینیک‌ها می‌رسند، «گاهی اوقات خیلی دیر شده است.» به جای آن، این سازمان بر فرستادن داوطلبان و پرستاران به مناطق مختلف برای رسیدن به کودکان قبل از نیاز به مراقبت فوری تمرکز کرده است.

او گفت: «بدیهی است که انجام این کار زمانی که یک حمله به رفح در حال وقوع است، سخت‌تر است.» در ماه مارس، زمانی که کمک‌های بیشتری به غزه وارد می‌شد، قحطی در برخی نقاط نوار غزه قریب‌الوقوع بود. «ما اکنون در ماه مه هستیم و وضعیت از نظر منابع بدتر شده است.»

مراکز مراقبت تخصصی از غزه ناپدید شده‌اند یا مدت‌هاست از بین رفته‌اند. در سراسر نوار غزه، بیش از ۵۰ مرکز بهداشتی، که خدماتی مانند مراقبت‌های کودکان و مادران، دیالیز و سایر خدمات را ارائه می‌دادند «اکنون غیرقابل دسترسی» هستند. مراکز اولیه مراقبت باقی‌مانده در غزه نیز در حال تعطیلی هستند. بیمارستان العوده در جباليا به مدت شش روز است توسط نیروهای اسرائیلی محاصره شده است. بیمارستان کمال عدوان در نزدیکی بیت لاهیا به طور کامل تعطیل شده است.

پیشروی‌های اسرائیل به سرعت بخش‌هایی از غزه را تغییر داد. «شما می‌بینید که زمین‌های خالی که پر از پناهگاه‌ها و چادرها بودند، اکنون رها شده‌اند.» چرونکو گفت. «دریای بی‌پایانی از مردم در خودروها، کامیون‌ها و گاری‌ها دیده می‌شوند. و سپس، اردوگاه‌های مملو از چادر در ساحل غزه، با جزر و مد بالا.

مردم در جایی که مستقر شده‌اند، توالت‌های موقتی در زمین‌های شنی یا تپه‌های ساحلی حفر کرده‌اند. برخی چوب برای پخت و پز پیدا کردند؛ دیگران کیسه‌های پلاستیکی را سوزانده‌اند.

پیرس گفت: «مردم فقط خسته و وحشت‌زده‌اند. ترس تنها چیزی است که می‌شناسند. آن‌ها نمی‌توانستند تصور کنند که شرایط برای آن‌ها سخت‌تر خواهد شد.»

مهندس ناصر ابو هلال، ۲۹ ساله از رفح، گفت او خانواده‌اش را پس از دستور تخلیه به مواسی منتقل کرد، اما خودش نزدیک‌تر به خانه ماند: «ترک کردن محله، خاطرات و شهر خود، باعث درد زیادی می‌شود و زخمی به جا می‌گذارد.» شهر دیگر شبیه به سابق نیست و خالی از «نشانه‌های زندگی روزمره» است. رفح مانند شهر ارواح شده است.

عضویت کامل با حق رای در سازمان ملل متحد فقط می‌تواند توسط مجمع عمومی با توصیه شورای امنیت اعطا شود. در حالی که آمریکا، از یک سو، همواره قطع‌نامه‌های سازمان ملل در رابطه با فلسطین را وتو می‌کند و از سوی دیگر، هم‌چنان معتقد است که «سریع‌ترین مسیر برای دستیابی به استقلال برای مردم فلسطین از طریق مذاکرات مستقیم بین اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین با حمایت ایالات متحده و شرکای دیگر است.»

رابرت وود، معاون سفیر آمریکا، پس از وتوی ایالات متحده در ماه گذشته گفت. «ما هم‌چنین مدت‌هاست که می‌دانیم اقدامات عجولانه در اینجا در نیویورک، حتی با بهترین نیت‌ها، به استقلال مردم فلسطین منجر نمی‌شود.»

مجمع عمومی از زمان رای‌گیری سال ۲۰۱۲ نیز فلسطین را به عنوان یک کشور در نظر گرفته است، همانطور که از پلاک روی میز ریاض منصور، سفیر فلسطین در سازمان ملل، که ماه گذشته در شورای امنیت صحبت می‌کرد، مشهود است. سازمان ملل فقط می‌تواند به دولت‌های موجود عضویت اعطا کند، اما نمی‌تواند استقلال را اعطا کند. فقط کشورها می‌توانند سایر کشورها را به طور دو جانبه به رسمیت بشناسند. مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۲ به دولت فلسطین وضعیت ناظر اعطا کرد.

منشور سازمان ملل متحد روشن است. ماده ۴ می‌گوید که فقط دولت‌های موجود می‌توانند برای عضویت در سازمان ملل متحد درخواست دهند. این می‌گوید:

«عضویت در سازمان ملل متحد برای همه ی دیگر کشورهای صلح طلبی که تعهدات مندرج در این منشور را می‌پذیرند و به تشخیص سازمان قادر و مایل به انجام آن تعهدات هستند، آزاد است.»

قطع‌نامه مجمع عمومی در روز جمعه «اعلام کرد که دولت فلسطین طبق ماده ۴ منشور سازمان ملل متحد واجد شرایط عضویت در سازمان ملل متحد است و بنابراین باید به عضویت در سازمان ملل متحد پذیرفته شود.» بر اساس مفاد ماده ۴، ۱۴۳ کشوری که روز جمعه هفته پیش به این پیشنهاد رای دادند، فلسطین را به‌عنوان یک دولت می‌شناسند، حتی اگر آن را به‌طور رسمی به‌طور دو جانبه به رسمیت نشناخته باشند.

برای مثال، فرانسه به عضویت کامل رای داد، اگرچه هنوز فلسطین را به طور رسمی به رسمیت نشناخته است. با این حال، رئیس جمهور فرانسه، امانوئل ماکرون، در فوریه گفت که به رسمیت شناختن استقلال فلسطین برای فرانسه دیگر «تابو» نیست. مجلس فرانسه در سال ۲۰۱۴ برای متقاعد کردن دولت به انجام این کار رای داد.

قطعنامه روز جمعه می‌گوید: «عضویت در سازمان ملل متحد برای همه دیگر کشورهای صلح‌طلبی که تعهدات مندرج در این منشور را می‌پذیرند و به تشخیص سازمان قادر و مایل به انجام آن تعهدات هستند، آزاد است.» خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش می‌دهد که کلمه «صلح‌طلب» از این قطعنامه حذف شده است.

صرف این واقعیت که دبیرکل سازمان ملل در سال ۲۰۱۱ درخواست عضویت فلسطین را پذیرفت، به منزله به رسمیت شناختن فلسطین به عنوان یک دولت توسط سازمان ملل بود، زیرا فقط دولت‌ها می‌توانند درخواست دهند.

تعریف یک دولت در ماده ۱ کنوانسیون مونته‌ویدئو در سال ۱۹۳۳ آمده است که بر اساس آن فلسطین در واقع یک دولت است. الزامات کنوانسیون برای دولت بودن عبارتند از:

(الف) وجود یک جمعیت دائمی

(ب) یک قلمرو مشخص

(ج) وجود یک دولت

(د) توانایی برقراری روابط با سایر دولت‌ها

فلسطین هر چهار مورد را دارد. از سال ۱۹۶۷، قلمرو آن نوار غزه و کرانه غربی بوده است، پس از آن که شورای امنیت در قطعنامه‌هایی خواستار پایان اشغال اسرائیل بر خاک فلسطین شد. فرانسیس بویل، استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه ایلینوی، به News Consortium گفت که کنوانسیون مونته‌ویدئو «هنوز طبق عرف بین‌الملل معتبر است.»

مجمع عمومی هم‌چنین اشاره کرد که فلسطین عضو اتحادیه عرب و تعدادی از سازمان‌ها و نهادهای وابسته به سازمان ملل مانند دیوان بین‌المللی کیفری است.

سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف)، در دو دوره مشابهی برای ایجاد دولت درگیر شده است. هر مرحله‌ای را که پشت سر می‌گذارد، چنین به نظر می‌آید که به هدف نزدیک‌تر شده، اما به هدف نهایی نمی‌رسد؛ همواره شرایط دیگری مطرح می‌شود که امتیاز دیگری به دست آورد. در سال ۱۹۹۹، ساف بیان کرد که این سازمان در پایان دوران انتقالی «خودگردانی» کرانه باختری و غزه (طبق قراردادهای اسلو در ۱۹۹۳)، تاسیس دولت فلسطین را اعلام خواهد کرد. ایالات متحده و اتحادیه اروپا فشار آوردند و در مقابل تاخیر، اتحادیه اروپا حاضر شد در کنفرانس سران در برلین در مارس ۱۹۹۹ «آمادگی‌اش را برای بررسی شناسایی دولت فلسطین» اعلام کند.

در مارس ۲۰۰۲، شورای امنیت سازمان ملل متحد پای‌بندی خود را به نگرشی از منطقه اعلام کرد که در آن دو دولت، اسرائیل و فلسطین با هم همزیستی داشته باشند. سال بعد، کوارتت (ایالات متحده، اتحادیه اروپا، روسیه و سازمان ملل متحد) با انتشار «نقشه راه» پیش‌بینی کرد که دولت فلسطین پیش از پایان سال ۲۰۰۵ ایجاد شود. پس از توقف مذاکرات، جورج دبلیو بوش در نوامبر ۲۰۰۷ نشست پر سر و صدائی را در آنابولیس برگزار کرد که مورد پسند «جامعه بین‌المللی» قرار گرفت و در آن اروپا، روسیه، سوریه و مصر، فلسطینیان و اسرائیلی‌ها شرکت داشتند. اطلاعیه‌ای پیش‌بینی می‌کرد که در اواخر سال ۲۰۰۸، نتیجه مطلوب به دست خواهد آمد. در ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۰، باراک اوباما در سخنرانی‌اش در مجمع عمومی سازمان ملل اظهار امیدواری کرد که در سپتامبر ۲۰۱۱، فلسطین به سازمان ملل متحد به پیوند. یک سال بعد، او اعلام کرد که با وتوی خود با چنین عضویتی مخالفت خواهد کرد.

در سال ۱۹۶۹، به‌دنبال شکست اعراب در ژوئن ۱۹۶۷، جنبش‌های مسلح فدائیان بر ساف چیره شدند و رهبری گذشته را که با پیوستن به رژیم‌های عربی راه خطا رفته بودند، به کنار گذاشتند. سمت‌گیری جدید ساف بر سه محور تکیه می‌کرد: مبارزه مسلحانه، به‌عنوان مثنی مسلط بر بخشی از جهان که در آن زمان «جهان سوم» خوانده می‌شد، آزادی همه فلسطین و در نتیجه نابودی بنیاد صهیونیستی اسرائیل و برقراری دولتی دموکراتیک که در آن مسلمان، یهودی و مسیحی در کنار هم زندگی کنند؛ استقلال رهبری فلسطین، از جمله در قبال حکومت‌های عرب.

عمده‌ترین موفقیت ساف گردآوری همه فلسطینیان در زیر پرچم خود بود، از مهندسانی که در کویت کار می‌کردند تا کشاورزان الخلیل (حبرون) و پناهندگان اردوگاه برج البراجنه در لبنان؛ تحکیم وحدت ملی آنان و بیان اراده استقلال‌خواهی آنان. در مقابل، شکست مبارزه مسلحانه، خودداری اکثریت جمعیت اسرائیل در پیوستن به رویای یک دولت دموکراتیک، حتی مخالفت متفقین ساف با ایده نابودی اسرائیل، سرانجام سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به شرکت در بازی دیپلماتیک سوق داد.

هرچند که ساف موفقیت‌هایی در زنده نگه داشتن هویت مردم فلسطین کشف کرده بود از جمله در سال ۱۹۷۴، یاسر عرفات، پیروزمندانه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک مورد استقبال واقع شده و ساف به‌عنوان عضو ناظر پذیرفته شد.

اما این پیشرفت‌ها، همواره با دو مانع اصلی، یعنی دولت اسرائیل و آمریکا روبرو می‌شد. این دو کشور از گفت‌وگو با «یک سازمان تروریستی؟» امتناع می‌کردند. سال‌های طولانی و کشمکش‌های فراوانی لازم بود و به ویژه آغاز انتفاضه سنگ‌ها در دسامبر ۱۹۸۷، تا این که ادامه وضع موجود از نگاه همه خطرناک جلوه کند و در خود اسرائیل نیز صداهایی در جهت یافتن راه مصالحه بلند شود.

در نوامبر ۱۹۸۸، شورای ملی فلسطین تولد دولت فلسطین را اعلام و نقشه تقسیم فلسطین مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ را پذیرفت.

در سیزدهم دسامبر ۱۹۸۸، یاسر عرفات در مجمع عمومی سازمان ملل در ژنو، سمت‌گیری‌های بالا را مورد تأکید قرار داد. اما واشنگتن، هم‌چنان ناراضی بود. یک هفته بعد، رهبر فلسطینی بیانیه‌ای را خواند که مورد تأیید دولت آمریکا بود؛ در این بیانیه او بر چشم‌پوشی از تروریسم تأکید کرده، قطع‌نامه ۲۴۲ شورای امنیت را پذیرفت که در آن، به شناسایی اسرائیل تأکید شده است. چنین بر می‌آمد که تاریخ جدید باز شده و صفحه دیگری با قراردادهای اسلو و دست دادن عرفات و اسحاق رابین در سیزدهم سپتامبر ۱۹۹۳ در ایوان کاخ سفید در زیر نگاه رئیس‌جمهور وقت آمریکا، کلینتون گشوده شد.

اما ایت توافقات، هیجده ماه بعد با بن‌بست روبرو شد. هیچ نوع حاکمیتی برای فلسطین در کرانه باختری و بیت‌المقدس به وجود نیامد. شمار ساکنان شهرک‌های استعماری در کرانه باختری در سال ۱۹۹۳، صد هزار بود، در حالی که امروز به مرز سیصد هزار رسیده است. شمار این شهرک‌ها در بیت‌المقدس، از صد و پنجاه هزار به دویست هزار رسید. اقتصاد دچار خفگی است و گزارش‌هایی که حکایت از شکوفایی سرزمین‌ها دارند، فراموش می‌کنند که یادآوری کنند که تولید سرانه ناخالص ملی در این مناطق کم‌تر از سال ۲۰۰۰ است و فقط یک لایه نازک اجتماعی از این شرایط بهره‌می‌برند. اگر چه تشکیلات خودگردان برای مبارزه با «تروریسم» به‌طور موثر با اشغال‌گران اسرائیلی همکاری می‌کند، این تشکیلات هم‌چنین قدرت خودکامه‌ای بر آن منطقه چیره کرده که به وضعیت حاکم در کشورهای همجوار عربی شباهت دارد.

در تلافی این شکست، مردم در انتخابات ژانویه ۲۰۰۶، به حماس رای دادند.

ناتوانی ساف برای کسب کوچک‌ترین امتیازی از طریق مذاکره و زیر و رو شدن اوضاع در جهان عرب، محمود عباس را به حضور در سازمان ملل واداشت. اما، در حال حاضر، نمی‌توان بین‌المللی شدن وضع فلسطین را به‌سادگی محاسبه کرد. آیا با آغاز یک تغییر اساسی روبرو هستیم. فعلاً دو میلیون و ۳۰۰ هزار تن از شهروندان فلسطین در جهنم سوزانی که دولت اسرائیل در غزه شعله‌ور کرده است در حال سوختن و نابود شدن هستند.

استفاده از حق وتوی آمریکا، دولت اسرائیل را وحشی‌تر و هارتر کرده است و منطقه را به شدت بحرانی‌تر کرده است. دور اخیر هجوم مالیخولیایی و دیوانه‌وار لشکر اسرائیل به باریکه غزه فلسطین، ویرانی گسترده و سلاخی مردم آن، عمدتاً کودکان و زنان نزدیک به هشت ماه است که با بی‌رحمی و خشونت فوق تصور بشری ادامه دارد. در طول این مدت، قریب ۴۰ هزار نفر، از جمله، ۱۴ هزار کودک به قتل رسیده، بیش از ۷۵ هزار نفر زخمی و مجروح شده است.

ارتش اسرائیل، حتی آب و غذا و دارو را به روی نجات‌یافتگان از بمباران‌های جنون‌آمیز بسته است به‌گونه‌ای که ارتش اسرائیل از طریق زمین و هوا، حتی تجمع گرسنگان برای دریافت آب و غذا را نیز بمباران می‌کند. همان‌گونه که خود دولت اسرائیل اعلام کرده، هیچ جای غزه نقطه امن نیست.

اماکن خصوصی و عمومی اعم از ساختمان‌ها، منازل مسکونی، بیمارستان‌ها، مدارس، درمان‌گاه‌ها، دانشگاه‌ها، مساجد، کلیساها و غیره، زیر بمباران‌های دیوانه‌وار ارتش اسرائیل ویران گردیده، کل زیرساخت‌های غزه «این هولناک‌ترین زندان باز جهان» نابود شده است.

البته نطفه دولت اسرائیل و ترور و جنایت بیش از یک قرن پیش، در سال ۱۹۱۷ بر اساس پروژه موسوم به «نامه بالفور» در انگلیس بسته شد و ۷۵ سال پیش در سال ۱۹۴۸ در آمریکا، با تصویب قطع‌نامه ۱۸۱ سازمان ملل، بینان یک حکومت خطرناک، خشن و جنگ‌طلب بسته شد.

آن‌چه دولت اسرائیل در طول هشت ماه گذشته علیه مردم فلسطین مرتکب می‌شود، مصداق قتل‌عام و نسل‌کشی تمام عیار است که با نقض آشکار تمام موازین و قوانین حقوق بین‌المللی، بشری و حتی جنگی مرتکب می‌شود.

با این اوصاف، مردم شریف، انسان‌دوست، صلح‌جو و آزادی‌خواه جهان، به‌ویژه جنبش‌های اجتماعی، دانشگهیان، سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق انسان، احزاب و سازمان‌های چپ و آزادی‌خواه، مراکز مهم کار و تولید، مراکز معتبر علمی، سیاسی و اجتماعی در سرتاسر دنیا برای دفاع همه‌جانبه از مردم ستم‌دیده و دردمند فلسطین، به‌ویژه، غزه غرق در خون و محکومیت قاطع جنایات بی‌حد و مرز دولت اسرائیل و با تأکید به زندگی مسالمت‌آمیز و دوستانه مردم اسرائیل و فلسطین در کنار هم، قادرند تهاجمات وحشانه ارتش اسرائیل و تداوم نسل‌کشی را بگیرند و عاملان آن را به دلیل جنایت بر علیه بشریت و نسل‌کشی به محاکمه بکشانند.

وضعیت کنونی اسرائیل و فلسطین این گونه است که اسرائیل به عنوان یک کشور و دولت مستقل عضو سازمان ملل متحد است و از سوی اکثریت کشورهای جهان به رسمیت شناخته می شود گرچه برخی کشورهای عربی آن را به صراحت به رسمیت نمی شناسند.

از مجموع ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد، ۱۶۵ کشور اسرائیل را به عنوان یک دولت/کشور به رسمیت می شناسند و ۲۸ کشور دیگر، اسرائیل را به رسمیت نمی شناسند. هیچ کشور عضو سازمان ملل متحد وجود ندارد که این تعداد کشور آن را به رسمیت نشناسند.

دولت اسرائیل، علاوه بر مرزهای ۱۹۶۷ (سرزمین تاریخی فلسطین منهای شهر قدس / اورشلیم)، کل شهر قدس و منطقه جولان اشغالی سوریه را خاک رسمی خود می داند و به همه ساکنان آن شهروندی اسرائیل را داده است.

اسرائیل تاکنون دو منطقه کرانه باختری و غزه را بخشی از خاک رسمی خود نمی داند اما ارتش اسرائیل کنترل نظامی و امنیتی این مناطق را در دست دارد. غزه و کرانه باختری دو منطقه جدا از یکدیگر هستند. تمام مرزهای کرانه باختری و غزه در دست ارتش اسرائیل است. البته تا جان اخیر، در مرز جنوبی غزه و مصر ارتش اسرائیل حضور نداشت و این تنها مرز فلسطین با جهان آزاد است که اسرائیلی ها آن را کنترل نمی کرد و مرزبانی اسرائیل در آن مستقر نبود. اما اکنون این مرز نیز بسته شده است.

از نظر سازمان ملل متحد، آمریکا و اتحادیه اروپا، حضور ارتش اسرائیل در غزه، کرانه باختری و بخش شرقی شهر قدس (اورشلیم/بیت المقدس)، اشغالگری به شمار می آیند.

کرانه باختری به لحاظ اداره غیرنظامی در دست دولت فلسطین (تشکیلات خودگردان) به ریاست محمود عباس است. این دولت، خواهان به رسمیت شناخته شدن قدس شرقی (بخش شرقی شهر قدس / اورشلیم) به عنوان پایتخت خود است اما هم اکنون در شهر رام الله در کرانه باختری به عنوان پایتخت مستقر است.

فلسطین به عنوان یک کشور و دولت، عضو کامل سازمان ملل متحد نیست. عضویت کامل کشورها در سازمان ملل متحد مشروط به تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد است. در شورای امنیت، مهم ترین مخالف عضویت فلسطین، دولت آمریکا است و همواره این موضوع را وتو می کند. فلسطین هم اکنون در سازمان ملل متحد، به عنوان عضو ناظر (عضو غیرکامل و بدون حق رای) حضور دارد.

در حال حاضر از ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد، ۱۳۸ کشور (۷۵ درصد)، دولت مستقل فلسطین را به رسمیت می شناسند. در میان ۵ عضو دائم شورای امنیت، آمریکا، فرانسه و انگلیس، دولت فلسطین را به رسمیت نمی شناسند اما روسیه و چین به رسمیت می شناسند. همه کشورهای اروپایی و کشورهای استرالیا، کره جنوبی و ژاپن نیز این گونه هستند و فلسطین را به عنوان یک دولت مستقل به رسمیت نمی شناسند.

از سویی نیز راه حل دیگری هم وجود دارد و آن هم تشکیل یک دولت مشترک المنافع اسرائیلی-فلسطینی است. چنین دولتی قادر است از جنگ و خونریزی جلوگیری کند و همه مشکلات تاکنون و پای پیش آمده در آینده را با مذاکرات سیاسی حل و فصل کند. در چنین موقعیت، مردم یهودی اسرائیلی و فلسطینی در کنار هم زندگی کنند بدون این که ادعای حذف همدیگر را داشته باشند.

در چنین شرایطی، حکومت هایی هم چون جمهوری اسلامی ایران، دیگر جرات نمی کنند خواهان وجود تنها یک کشور فلسطینی و حذف کشور اسرائیل باشند.

اجرای این راه حل، نیازمند پایان دادن جنگ ۷۵ ساله دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین و به رسمیت شناختن موجودیت مردم فلسطینی است.



مقامات جناح راست اسرائیل خواهان وجود تنها یک کشور اسرائیل در سرزمین تاریخی فلسطین و جلوگیری از برپایی و تاسیس دولت مستقل فلسطین هستند اما درباره سرنوشت سرزمین های فلسطینی ۱۹۶۷ یعنی غزه و کرانه باختری و ساکنان آن به صورت قطعی و رسمی چیزی اعلام نمی کنند.

آنان این مناطق را هم اکنون نه به عنوان بخشی از سرزمین رسمی اسرائیل اعلام می کنند و نه به اهالی ساکن آن شهروندی اسرائیل می دهند و نه حاضر هستند ارتش اسرائیل از این مناطق عقب نشینی کند و به اشغال پایان دهد.

راه حل این چهره های جناح راست به ویژه تندروهای مذهبی - ملی اسرائیل و جریانات مذهبی فلسطینی هم چون حماس و جهاد اسلامی، تاکنون جز جنگ و ویرانی و نابودی و کشتار، هیچ دستاورد صلح آمیزی برای مردم فلسطین و اسرائیل نداشته است.

در حال حاضر جمعیت اسرائیل حدود ۱۰ میلیون نفر است که ۸ میلیون نفر یهودی و ۲ میلیون نفر فلسطینی و فلسطینی تبار هستند. در کرانه باختری هم ۳ میلیون نفر و غزه هم ۲/۳ میلیون نفر و قدس شرقی ۳۰۰ هزار ساکن فلسطینی دارد. نیم میلیون نفر شهرک نشین یهودی اسرائیلی نیز در کرانه باختری و قدس شرقی مستقر هستند.

در نتیجه هم اکنون در کل، ۸/۵ میلیون نفر یهودی اسرائیلی و ۷/۵ فلسطینی وجود دارد. ۷ میلیون فلسطینی آواره هم خارج از فلسطین و اسرائیل در سایر کشورها زندگی می کنند

در این شرایط اگر همه این جمعیت ۱۶ میلیون نفری فعلی ساکن در سرزمین تاریخی فلسطین، شهروند اسرائیل شوند در رای گیری انتخابات پارلمانی، دو طرف می توانند کرسی های هم اندازه کسب کنند و در قدرت هم سهم برابر خواهند داشت. در این شرایط دولت یا کشور اسرائیل دیگر هویت و ماهیت یهودی نخواهد داشت زیرا نیمی از جمعیت و حداقل نیمی از قدرت در دست مسلمانان و مسیحیان فلسطینی خواهد بود.

هم چنین در این راه حل، سرنوشت حدود ۷ میلیون فلسطینی که خارج از فلسطین به عنوان پناهجو زندگی می کنند مشخص نیست. این فلسطینی ها خواهان بازگشت به کشور خود هستند. اکثریت این افراد اهالی مناطق مختلف سرزمین تاریخی فلسطین در داخل مرزهای رسمی اسرائیل (یعنی ۱۹۴۸) هستند که در جنگ ۱۹۴۸ مجبور شدند از خانه و کاشانه خود فرار کنند و حالا می خواهند بازگردند.

اشاره به این نکته مهم است: برخی چهره های سابق تشکیلات خودگردان فلسطین می گویند راه حل دو کشوری، غیرقابل اجراست و خواهای تمرکز بر راه حل تک کشوری اسرائیل برای همه مردم یهودی و فلسطینی است. یعنی همه فلسطینی ها و اسرائیلی نیز شهروندی این منطقه را دریافت کنند و همه مناطق اسرائیلی و فلسطینی کرانه باختری و غزه هم بخشی از یک منطقه باشد. دولت اسرائیل مخالف این ایده است. «محمد دحلان» مهم ترین چهره فلسطینی مدافع این طرح است.

نتیجه گیری

دولت اسرائیل، نزدیک به ۸ ماه است که، انتقام تلفات و خسارات سنگینش در میادین جنگ را، با کشتار غیرنظامیان غزه و «نسل کشی» در این باریکه می گیرد. چیزی نزدیک به ۴۰ هزار نفر با سلاح های متعارف و غیرمتعارف آمریکایی در این مدت قتل عام شده اند که غالباً غیرنظامی اند. ارتش اسرائیل، در جهت نابودی زیرساخت های غزه، در روز روشن به بیمارستان ها، مدارس، مساجد، کلیساها، خانه ها، کم رسانی های بین المللی، روزنامه نگاران و... حمله می کنند و وقتی با انتقاد مواجه می شوند، یکی از این پاسخ ها را می دهند: «چیزی به نام غیرنظامی در غزه وجود ندارد.» یا «نیروهای حماس زیر بیمارستان ها و مدارس پنهان شده اند.» اما پس از این که معلوم می شود، تمام گفته هایشان دروغ بوده، می گویند «حماس اغراق کرده و ما زنان و کودکان زیادی را نکشته ایم!» این جنایات آن قدر وحشیانه و غیرانسانی است و آن قدر سند و مدرک محکم از آن ها منتشر شده است که، دنیا را علیه دولت اسرائیل بسیج کرده است.

معلوم نیست سازمانی که از سوی دولت ها در لیست سازمان های تروریستی قرار دارد چگونه می تواند دنیا را علیه اسرائیل بسیج کند؟

لابد دادگاه لاهه و سازمان ملل و بسیاری از دولت ها و جنبش های اجتماعی را هم سازمان حماس علیه دولت اسرائیل بسیج کرده است؟!

اکنون بزرگ ترین جنبش دانشجویی در آمریکا و اروپا علیه دولت اسرائیل و نسل کشی آن در غزه شکل گرفته و اعتراض های دانشگاهی آن قدر گسترده شده است که، بنابر اعلام سی ان ان چیزی بالغ بر ۳۰۰۰ دانشجو و استاد دانشگاه دستگیر، تعلق یا اخراج شده اند. تظاهرات های ضد جنگ و ضد دولت اسرائیل و ضد نسل کشی دانشگاهی و غیردانشگاهی نیز در ۵ قاره جهان برگزار شده و با وجود تهدیدها و سرکوب، ادامه یافته است.

رسیدگی به جنایات دولت اسرائیل در نوار غزه نیز با همت آفریقای جنوبی در دادگاه لاهه مطرح شده است و این دولت در حال محاکمه به جرم «نسل‌کشی» است. اما تهدیدات مستقیم و علنی آمریکا علیه این دادگاه و بیانیه‌های دستورگونه این دولت علیه قضات و دادستان‌های آن، نگرانی‌هایی به همراه داشته است.

آمریکایی‌ها تهدید کرده‌اند اگر حکم صادره، علیه اسرائیل باشد، این دادگاه را تحریم و قضات و دادستان‌هایش را هم تنبیه می‌کنند و... یک رسوایی حقوقی-سیاسی آشکار در ابعاد جهانی! به عبارتی، معنای این تهدیدات آمریکا این است که، دادگاه لاهه و هم‌چنین سازمان ملل باید آن‌طور که کاخ سفید می‌خواهد، حکم و یا قطع‌نامه صادر کنند!

در چنین شرایطی و در توازن قوایی موجود بین دولت‌های سرمایه‌داری جهانی، دولت اسرائیل، بدون هیچ محدودیتی، هر آن‌چه اراده کرده است -از تسلیحات گرفته تا مستشار نظامی و تجهیزات مدرن جنگی- در اختیار دارد. آمریکایی‌ها ده‌ها کشتی و هواپیما سلاح و میلیاردها دلار پول و امکانات دیگر به آن‌ها رسانده‌اند و حتی کمک به دولت اسرائیل، در ردیف بودجه این کشور قرار دارد. آلمان، فرانسه، انگلیس و برخی دولت‌های مرتجع عربی نیز مستقیم و غیرمستقیم از این دولت حمایت می‌کنند.

متأسفانه در حال حاضر توازن قوای جهانی به نفع مردم فلسطین نیست. یعنی دست‌کم در کوتاه‌مدت، نه دستگیری نتان‌یاهو نخست‌وزیر و وزیر دولت او به دلیل «نسل‌کشی» در غزه امکان‌پذیر است و نه تشکیل دولت مستقل فلسطینی. به عبارت دیگر، تصمیمات دادگاه بین‌المللی لاهه و قطع‌نامه‌های سازمان ملل، شاید در افکار عمومی و وجدان آگاه جامعه جهانی تاثیری بگذارد و احساسات انسانی را خدشه‌دار نماید اما در جهان موجود و با وجود دولت‌های به‌غایت راست جهانی و نقش بی‌خاصیت سازمان ملل، اجرای آن‌ها سرایی بیش نیست!

جمعه چهارم خرداد ۱۴۰۳ - بیست و چهارم مه ۲۰۲۴